

## مجلس سوم: اطاعت از قرآن و معصومان عليهم السلام

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری\*

### اشاره

«سعادت» و «نیک‌بختی»، از آرزوهای هر انسانی است که سرنوشت او بدان گره خورده است. در قرآن نیز، به دو گروه انسان اشاره شده؛ سعادت‌مند و بدبخت: «آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ‌کس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید؛ گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت!»<sup>۱</sup>

قرآن رستگاری انسان را در پیروی از خود می‌داند: «وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup> و نوری را که با او نازل شده پیروی کردند، آنان رستگاران‌اند. «اسلام نیز برای تأمین سعادت فردی و اجتماعی، مردم را به اطاعت از قرآن و عترت فراخوانده است؛ حضرت رسول می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لِاتَّضَلُّوا...»<sup>۳</sup>

بر این اساس، پرداختن به سعادت و رستگاری انسان از دیدگاه آیات و روایات، امری بایسته‌است. این نوشتار، می‌کوشد نقش اطاعت از قرآن و اهل بیت عليهم السلام در سعادت انسان را تبیین نماید.

### الف. عرصه‌های اطاعت از قرآن

اطاعت از قرآن، در عرصه‌های مختلف نمود پیدا می‌کند؛ اما در این جا تنها به عرصه فردی و اجتماعی اشاره می‌شود.

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. سوره هود، آیه ۱۰۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۳. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۴۹.

## ۱. عرصه فردی

قرآن برای هدایت و رستگاری انسان نازل شده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»<sup>۱</sup> این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند.» از سوی دیگر این کتاب آسمانی، از مخاطب خود انتظار پیروی دارد؛ زیرا هدف مذکور، با اطاعت از قرآن محقق می‌شود: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ»<sup>۲</sup> و این کتابی بابرکت است که نازلش کردیم، پس آن را پیروی کنید.»

پیروی از قرآن و ارتباط با آن، با اموری مانند قرائت، تدبر و تفسیر آن تأمین می‌شود؛ اما تمام این مراحل، مقدمه برای عمل به آن است که سعادت انسان را فراهم می‌کند.<sup>۳</sup>

خداوند در اول سوره بقره و آیات دیگر، از قرآن با نام «هادی» یاد کرده و برای اهل ایمان صفاتی را برمی‌شمارد: «این همان کتابی است که در آن هیچ شکی نیست. پرهیزگاران را راهنماست. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز می‌گزارند و انفاق می‌کنند از آنچه روزی‌شان داده‌ایم.»<sup>۴</sup> و در ادامه این افراد را رستگاران می‌نامد: «...أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»<sup>۵</sup> پس انسان سعادت‌مند، کسی است که به قیامت ایمان دارد، اقامه نماز می‌نماید و زکات می‌دهد.

بر این اساس اولیای خدا با هوای نفس مبارزه می‌نمودند تا رستگار شوند. «شیخ عبدالله شوشتری»، فرزندی داشت که بسیار به او علاقه‌مند بود؛ اما سخت بیمار شد. شیخ ظهر جمعه برای خواندن نماز، با خاطری پریشان به مسجد رفت. ایشان معمولاً در رکعت اول نماز، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون می‌خواند. وقتی شروع به قرائت سوره منافقون نمود، به این آیه شریفه رسید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»<sup>۶</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل کنند و هر کس چنین کند، اینان‌اند که زیان‌کار خواهند بود.» و چندین بار آن را تکرار کرد. پس از نماز از ایشان پرسیدند: «چرا آن آیه را تکرار فرمودید؟» پاسخ دادند: «وقتی به آن آیه

۱. سوره اسراء، آیه ۹.

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۵.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۷.

۴. سوره بقره، آیه ۲ و ۳؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۴.

۵. سوره بقره، آیه ۵.

۶. سوره منافقون، آیه ۹.

رسیدم، یاد فرزندم افتادم. با تکرارش، با هوای نفس مبارزه کردم و با محبت قلبی درافتادم. سرانجام فرزندم را مرده فرض کرده و نماز را ادامه دادم.»<sup>۱</sup>

## ۲. عرصه اجتماعی

قرآن در آیات متعددی، درباره مؤلفه‌های جامعه اسلامی سخن گفته؛ از جمله آن مؤلفه‌ها رستگاری، امر به معروف و نهی از منکر است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup> باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان رستگاران اند.» در جایی دیگر آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۳</sup> شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.» در این آیات توصیه شده که همواره باید میان مسلمانان، امتی باشند تا این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند. در پایان هم تصریح می‌کند که رستگاری، تنها از این راه ممکن است.<sup>۴</sup>

یکی دیگر از مؤلفه‌های جامعه قرآنی، مبارزه با فساد و ظلم است: «وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»<sup>۵</sup> و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد؛ از این رو عالمان دینی، با ظلم و فساد مبارزه و دیگران را نیز به این امر دعوت می‌کردند. در زمان استیلای متفقین (۱۳۲۱ ش) بر ایران، چند باب مغازه شراب‌فروشی در مجاورت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام وجود داشت و از طرفی به علت خشک‌سالی، مردم قم - به‌ویژه اغلب کشاورزان - از داشتن آب محروم و در مضیقه بودند. در همین اثنا آب رودخانه قم، از سوی مردم «محلات» و «نیم‌ور» به پشتیبانی قدرت نخست‌وزیر وقت (صدر الاشراف محلاتی)، به کلی بر ساکنان قم بسته شد. اعتراضات اهالی قم هم به جایی نرسید و همه به ستوه آمدند. سرانجام بر آن شدند با تهیه ماشین‌های متعدد، برای درهم‌شکستن بندهای سد آب رودخانه راهی محلات شوند. روشن است که درگیری وزد و خورد طرفین، به کشته‌شدن افراد می‌انجامید. در این میان «حاج

۱. علی اکبر مؤمنی، انس با قرآن، ص ۷۹ - ۸۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵.

۵. سوره هود، آیه ۱۱۳.

انصاری واعظ<sup>۱</sup> با درک موقعیت و برای جلوگیری از فتنه‌ای بزرگ، بر فراز منبر رفت و برخی آیات شریفه سوره واقعه را قرائت کرد و به تفسیر و توضیح آن پرداخت: «أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ... أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ»<sup>۱</sup>

آن‌گاه فریاد برآورد: «ای مردم! چرا جماعت‌ها را به هم می‌زنید؟ اگر می‌خواهید انقلاب کنید که نتیجه بگیرید، پس بریزید و شراب‌فروشی‌ها را به هم بزنید تا در این شهر دینی و مذهبی، علیه قرآن و مقدسات اشاعه منکرات نکنند. شما در این مغازه‌ها را ببینید، من از آسمان به شما آب می‌دهم. جنگ لازم نیست!»

مردم بعد از شنیدن سخنان اثرگذار آن واعظ آبرومند، به خیابان‌ها ریختند و با درهم‌شکستن مشروب‌فروشی‌ها و آتش‌زدن مراکز فحشا و منکرات، محیط خیابان‌های اطراف آستانه مقدسه را پاک‌سازی کردند. شگفت آن‌که به قدرت الهی، عصر همان روز ابرهایی در آسمان پدیدار شد، باران شدیدی باریدن گرفت، سیلی در رودخانه قم جاری گردید و تمام باغات و زراعات قم و اطراف آن، به برکت این نعمت خدادادی سیراب شد.<sup>۲</sup>

در سایه این آموزه قرآنی ست که «شیخ فضل‌الله نوری» تربیت می‌شود. روز قبل از دستگیری وی، «سعدالدوله» به منزلش آمد. عده‌ای از اطرافیان شیخ حضور داشتند. سعدالدوله، آهسته با ایشان گفت‌وگو کرد. پس از چند لحظه، شیخ فضل‌الله به حاضران فرمود: «آقای سعدالدوله می‌گویند که دست‌های مشخصی در کار است تا مرا دستگیر کرده، به دار بیاویزند. ایشان مصلحت می‌دانند که من به یکی از دو سفارت روسیه یا انگلستان پناهنده شوم.» بعد با تبسم فرمودند: «من از کشته‌شدن خود بی‌اطلاع نیستم و به هیچ‌کس غیر از خداوند پناهنده نمی‌شوم!» سعدالدوله خطاب به شمس‌العلما گفت: «حفظ جان آقا بر تمام افراد علاقه‌مند به ایشان واجب است. من چون می‌دانستم که آقا به این سفارت‌خانه‌ها پناهنده نمی‌شوند، با سفارت هلند تماس گرفتم که بی‌طرف است و خواستم در صورتی که آقا اجازه دهند، پرچم آن کشور را روی بام خانه نصب کنیم تا ایشان در امان باشند.» شیخ با تبسمی استهزاگونه فرمودند: «آقای سعدالدوله! پرچم ما را باید روی سفارت بیگانه نصب کنند. چطور ممکن است صاحب

۱. سوره واقعه، آیات ۶۸-۶۴.

۲. علی‌اکبر مؤمنی، انس با قرآن، ص ۷۹-۷۷.

شریعت به من که از مبلغان احکام آن هستم، اجازه دهد به خارج از شریعت پناهنده شوم! مگر قرآن نخوانده‌اید که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛<sup>۱</sup> خدا هرگز راه سلطه‌ای به سود کافران بر مؤمنان قرار نداده است.» من راضی هستم که صدمرتبه بمیرم و زنده شوم و مسلمین و ایرانیان مرا مثله کنند و بسوزانند؛ ولی به اجنبی پناهنده نشوم و خلاف شرع اسلامی، عملی انجام ندهم.»<sup>۲</sup>

### ب. اطاعت از ائمه علیهم السلام

براساس اندیشه‌ای شیعی، امت اسلامی وظیفه دارد از اهل بیت علیهم السلام اطاعت نماید؛ زیرا اطاعت از آن‌ها، موجب سعادت فرد و جامعه می‌گردد. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ؛<sup>۳</sup> هر کس به سوی شما بیاید، نجات می‌یابد و هر کس به سمت‌تان نیاید، هلاک می‌گردد.» امام علی علیه السلام نیز فرمود: «برای ما برعهده مردم، حق اطاعت و ولایت است.»<sup>۴</sup>

### عرصه‌های اطاعت از ائمه علیهم السلام

اطاعت از امامان معصوم علیهم السلام، عرصه‌های مختلفی دارد که سه عرصه آن، از اهمیت خاص برخوردار است.

#### ۱. مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام

یکی از عرصه‌های اطاعت اهل بیت علیهم السلام، عرصه علم‌آموزی است؛ یعنی مردم باید علم را از اهل بیت بیاموزند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، همواره به مسلمانان سفارش می‌کردند که به قرآن و عترت تمسک جویند تا گمراه نشوند؛ زیرا نخستین مرجع علمی مسلمانان، قرآن است و پس از آن سنت پیامبر. نقش اهل بیت علیهم السلام در این باره، این است که ترجمان قرآن، حافظان و ناقلان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. آن حضرت مأموریت داشتند که به مقتضای حکمت، بخش عظیمی از معارف قرآن را برای مردم بیان کنند؛ ولی بخش دیگری را که شرایط بیان آن‌ها فراهم نبود، به اهل

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. علی اکبر مؤمنی، انس علما با قرآن، ص ۸۰.

۳. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴. شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۳۰.

بیت سپرده شد<sup>۱</sup>. ابن حجر می گوید: «پیامبر ﷺ بدان جهت قرآن و عترت را ثقل نامیده که به چیزی گران بها و دارای اهمّیت گفته می شود و قرآن و عترت این گونه اند؛ زیرا هر دو معدن علوم لدنّی و اسرار و حکمت های عالی و احکام شرعی اند.»<sup>۲</sup> بر این اساس، رسول خدا ﷺ فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا<sup>۳</sup>؛ من شهر علم هستم و علی درب آن است. هر کس بخواهد وارد شهر شود، باید از درب وارد گردد.»

منم شهر علم و علیم در است درست این سخن گفت پیغمبر است<sup>۴</sup>

بنابراین نخستین وظیفه ما، اطاعت و یادگیری علوم ائمه عليهم السلام است؛ زیرا علم اینان، منشأ و حیوانی دارد. امام صادق عليه السلام فرمود: «به خدا سوگند، ما از روی هوای نفس سخن نمی گوئیم و به آرای شخصی خود عمل نمی کنیم و سخنی را نمی گوئیم جز آن که خدای - عزّ و جلّ - گفته است.»<sup>۵</sup>

## ۲. مرجعیت دینی

مرجعیت علمی ائمه عليهم السلام، زمینه مرجعیت دینی اهل بیت را فراهم می کند؛ یعنی هرچه را آنان دستور دادند، عمل و از هرچه نهی نمودند، پرهیز کنند؛ از این رو حضرت علی عليه السلام به معرفی اهل بیت پرداخت تا مردم احکام و مسائل اعتقادی و اخلاقی خود را اخذ و بدان عمل نمایند: «عترت پیامبر ﷺ جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب های آسمانی و کوه های همیشه استوار دین خدایند. خداوند با اهل بیت، پشت خمیده دین را راست کرد و اضطراب آن را از میان برداشت.»<sup>۶</sup>

ائمه عليهم السلام معمولاً بر سه عرصه بیان آموزه های دینی، استمرار دین و راه های حفظ آن، تأکید می کردند؛ از این رو هزاران حدیث بیان کرده و هزاران شاگرد تربیت کرده اند؛ برای مثال تعداد شاگردان امام صادق عليه السلام را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته اند.<sup>۷</sup> امروزه همان احادیث، منبع استخراج

۱. مجله معرفت، ش ۱۰۶، مهر ۱۳۸۵.

۲. همان.

۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۳۳.

۴. فردوسی، شاهنامه، ج ۱، ص ۸.

۵. شیخ مفید، امالی، ص ۶۰.

۶. صبح صالح، نهج البلاغه، ص ۴۸.

۷. شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۷۱.

و استنباط احکام هستند و ابواب فقهی ما پر از «قال الباقر» و «قال الصادق» است. از سوی دیگر امامان معصوم علیهم السلام با تأیید دین مردم، زمینه‌های سعادت آن‌ها را فراهم می‌کردند. شیخ صدوق رحمه الله از حضرت عبدالعظیم رحمه الله روایت کرده است که بر آقای خود، امام هادی رحمه الله وارد شدم. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو ولی ما هستی.» عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! می‌خواهم دین خود را بر شما عرضه کنم. اگر مورد پسند شماست تأیید و اگر ناپسند است، راهنمایی کنید. من عقیده دارم که خدا، واحد است و مانند‌ی ندارد... عقیده دارم محمد صلی الله علیه و آله پیامبر، رسول و آخرین پیامبران است و بعد از او پیامبری نخواهد بود و تا روز قیامت دین آن حضرت اسلام خواهد بود... عقیده دارم امام بعد از پیامبر، امیرالمؤمنین و بعد از او حسن، بعد حسین، بعد علی بن الحسین، بعد محمد بن علی، سپس جعفر بن محمد، بعد موسی بن جعفر، بعد علی بن موسی، سپس محمد بن علی رحمه الله است و بعد، شما را امام می‌دانم.» حضرت فرمود: «بعد از من پسر من حسن و بعد از او مهدی رحمه الله خواهد بود.» گفتم: «عقیده دارم دوست ایشان، دوست خداست و دشمن ایشان، دشمن خداست... عقیده دارم سؤال در قبر، بهشت، جهنم، صراط و میزان حق است؛ قیامت خواهد آمد و همه زنده خواهیم شد.» پس امام فرمود: «ای ابوالقاسم! به خدا این است دین پسندیده ثابت! بر همین اعتقاد بمان. خداوند تو را بر این اعتقاد محافظت کند.»<sup>۱</sup>

همچنین ائمه علیهم السلام بر پایداری دین تأکید می‌کردند. امام صادق رحمه الله سفارش کرده‌اند که همیشه این دعا را بخوانید: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.»<sup>۲</sup> امام کاظم رحمه الله نیز، به فضل بن یونس فرمود که این دعا را بخوان: «اللهم لاتجعلنی من المعارین»؛<sup>۳</sup> خدایا مرا از معارین (ایمان‌داران عاریه‌ای و ناپایدار) قرار مده.» امام صادق رحمه الله معارین را چنین معنا کرد: «إِنَّ الْعَبْدَ يُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يُمَسِي كَافِرًا وَ يُصْبِحُ كَافِرًا وَ يُمَسِي مُؤْمِنًا وَ قَوْمٌ يُعَارُونَ الْإِيمَانَ ثُمَّ يُسَلَبُونَهُ وَ يُسَمَّوْنَ الْمُعَارِينَ»؛<sup>۴</sup> همانا بنده گاهی صبح می‌کند، در حال ایمان و شام می‌کند، در حال کفر. گاهی صبح می‌کند، در حال کفر و شام می‌کند، در حال ایمان. به اینان معارین گفته می‌شود.»

۱. شیخ صدوق، آمالی، ص ۳۳۹.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۳.

۴. همان، ص ۴۱۸.

متأسفانه بعضی از مردم، دستورهای ائمه علیهم‌السلام را اطاعت نمی‌کنند؛ یعنی بعضی‌ها فقط در زمان به‌وجود آمدن مشکل - مانند این‌که فرزند مریض شود یا تصادف کند - دعا می‌کنند و برخی در مناسبت‌ها - مانند ماه رمضان یا محرم - رفتارشان رنگ و بوی دین می‌گیرد و بعد از آن، دیگر در زندگی‌شان از دعا، نیایش، عبادت‌های سحرگاهی یا خوش‌خلقی‌ها و خوش‌برخوردی‌ها خبری نیست. قرآن می‌فرماید: «چون به آدمی گزندی رسد، چه بر پهلو خفته باشد و چه نشسته یا ایستاده، ما را به دعا می‌خواند و چون آن‌گزند را دور سازیم، چنان می‌گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندی که به او رسیده بود، هرگز نخوانده است. اعمال اسراف‌کاران، این چنین در نظرشان آراسته شده است.»<sup>۱</sup>

در حالی که باورها و ارزش‌های دینی، فرازمانی و فرامکانی هستند؛ یعنی تنها ماه رمضان، زمان عبادت و دین‌داری نیست و تنها محافل و مکان‌های مذهبی - همچون هیأت‌ها - مکانی برای مباحث مذهبی و اعتقادی نیست. فرد دین‌دار در هر زمان و مکانی که باشد، باید خود را ملزم به رعایت دستورهای دینی نماید؛ مثلاً زن در حرم یا پارک، جشن و امام‌زاده یا کنار دریا، در همه‌جا باید اهل حجاب باشد؛ نه تنها وقتی که وارد حسینیه یا مسجد می‌شود. امروزه برخی جوانان ما به بهانه آزادی، به آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام عمل نمی‌کنند و حال آن‌که قرآن، در وصف مؤمنان می‌فرماید: «مؤمنان واقعی، تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده، هرگز شک و تردید به خود راه ندادند و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد کردند. آن‌ها راستگویان اند.»<sup>۲</sup>

### ۳. مرجعیت سیاسی

ما شیعیان باور داریم که ائمه علیهم‌السلام، از سوی خداوند به امامت منصوب شده‌اند؛ یعنی امام علی علیه‌السلام و سپس امامان دیگر، به ترتیب به این رسالت خطیر منصوب گردیده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛<sup>۳</sup> کسی که حق ما را بشناسد و ما را دوست داشته باشد، خدای تبارک و تعالی را دوست داشته است.»

از سوی دیگر حکومت از نگاه ائمه علیهم‌السلام، ابزاری برای اجرای قوانین الهی است که با اجرای آن،

۱. سوره یونس، آیه ۱۲.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۸.



می‌توان جامعه مطلوب ایجاد و افراد سعادت‌مند تربیت کرد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «بارخدا! تو آگاهی آنچه از ما صادر شده (جنگ‌ها)، نه برای میل و رغبت در سلطنت بوده و نه برای به‌دست آوردن چیزی از متاع دنیا؛ بلکه برای این بود که آثار دین تو را (که تغییر یافته بود) بازگردانیم و در شهرهای تو، اصلاح و آسایش را برقرار نماییم تا بندگان ستم‌کشیده‌ات، در آسودگی بوده و احکام تو که ضایع شده، جاری گردد.»<sup>۱</sup>

بر این اساس، حق این بود که مردم در عرصه سیاسی از ائمه علیهم السلام اطاعت و آنان را در تشکیل حکومت و استمرار آن حمایت کنند؛ زیرا رهبران الهی هستند که افراد سعادت‌مند تربیت می‌نمایند. حضرت علی علیه السلام در اطاعت از امامان علیهم السلام فرمود: «به اهل بیت پیامبران بنگرید، از آن سمت منحرف نشوید که آنان گام برمی‌دارند و قدم به جای قدم‌شان بگذارید. آن‌ها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت بازنمی‌گردانند. اگر سکوت کنند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام نمایید. از آنان پیشی نگیرید که همراه می‌شوید و از آنان عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید.»<sup>۲</sup>

بی‌تردید آنچه در تاریخ جامعه اسلامی را دچار انحطاط نمود، رهبران قدرت‌گرا بودند. در جامعه‌ای که رهبرش معاویه و یزید باشند، سعادت فردی و اجتماعی تأمین نمی‌شود.

---

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۱۸۹.

۲. همان، ص ۴۳.